



آرامی دلهایی سازنده دریا ها

روشنی خورشیدی زیبایی رویاها
با تو امنیت دارم در کشمکش طوفان

من قایق آماده تو رهبر این سکان

(۲)

تا مقصد آزادی سرباز تو می مانم
نعمت نجاتم را از فیض تو می دانم

(۲)

آن دم که در این جسم در غصه و درشادی

در ثروت و فقر و ظلم ویرانی و

آبادی حاشا که اگر جز تو بار دگری گیرم

زنده ام از عشق تو در راه تو میمیرم

(۲)

تا مقصد آزادی سرباز تو میمانم

نعمت نجاتم را از فیض تو میدانم

(۲)

